

روزه در عرفان اسلامی

یک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی با بیان اینکه فلسفه روزه در میان عرفای اسلامی گذشتن از ظواهر و رسیدن به وصال الهی است، گفت: عرفا با استفاده از سایر آیات قرآن به این نتیجه می‌رسیدند که روزه وضع شده و قرار داده شده برای این که انسان به استغراق و وصال الهی برسد.



یک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی با بیان اینکه فلسفه روزه در میان عرفای اسلامی گذشتن از ظواهر و رسیدن به وصال الهی است، گفت: عرفا با استفاده از سایر آیات قرآن به این نتیجه می‌رسیدند که روزه وضع شده و قرار داده شده برای این که انسان به استغراق و وصال الهی برسد.

دکتر بخشعلی قنبری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی در گفتگو با خبرنگار مهر در پاسخ به این سؤال که به غیر از روزه واجب که در ماه رمضان می‌گیریم روزه‌هایی وجود دارد که در عرفان اسلامی توصیه شده و افرادی که سالک هستند انجام می‌دهند، اینها چه تفاوتی با این روزه دارند، گفت: در عرفان اسلامی جدا از احکام شرعی امر دیگری نداریم، منتها عرفا و اهل سیر و سلوک به دو دلیل روزه‌شان با دیگران متفاوت است؛ دلیل اول این است که تعداد روزه‌های مستحبی که اهل سیر و سلوک می‌گیرند مسلماً نسبت به عموم مسلمانان متفاوت است و تعداد روزه‌هایشان بیشتر است.

وی افزود: دلیل دوم آن این است که به لحاظ کیفیت با هم متفاوت هستند، مثلاً در قرآن آمده است که خداوند روزه را به عنوان عبادت قرار داد تا مردم به تقوا برسند، ولی عرفا به این اندازه قانع نیستند. عرفا با استفاده از سایر آیات قرآن به این نتیجه می‌رسیدند که روزه وضع شده و قرار داده شده برای این که انسان به استغراق و وصال الهی برسد.

نویسنده کتاب «طریقت کمال» در ادامه سخنانش اظهار داشت: به همین دلیل عارفان اسلامی در کتاب‌های خودشان می‌گویند روزه در شریعت به معنی امساک از خوردن و آشامیدن است، اما در حقیقت عبارت است از اعراض کردن و توجه نکردن به جمیع کائنات یعنی نه تنها این که بدن ما و دهان ما بسته شود و غذا نخورد، بلکه از کائنات هم چشم‌پوشیم و چشم خود را فقط به خداوند معطوف بداریم. بنابراین می‌گفتند روزه بدن، نگه داشتن بدن از خوردن است، اما روزه دل، نگه داشتن دل از وسوسه‌های شیطان و آن چیزهایی که باعث گناه آدمی می‌شود، است.

این محقق و نویسنده کشورمان با بیان اینکه بنابراین نهایتاً عرفا می‌گویند روزه باید به استغراق منجر شود، تأکید کرد: یعنی وارد دریای مشاهده الهی شوند که در آنجا در وسط روزه خود خداوند را ببینند، لذا به لقای پروردگارشان امیدوار بودند. "هست روزه ظاهر امساک طعام/ روزه معنا توجه دان تمام" لذا می‌گفتند روزه معنوی روزه‌ای است که فقط در آن معنویت و توجه تام به خداوند وجود دارد. این دهان بندد چیزی کم خورد/ وان دهان بندد چشم و غیرش ننگرد.

قنبری در ادامه سخنانش گفت: مولانا می‌گوید انسان عامی دهان خود را می‌بندد که غذای زیادی نخورد، ولی عارف دهان را می‌بندد که غیر خداوند را نبیند. روزه گردد تقوی از حلال/ در حرامش دان که نبود اتصال. عارفان به دنبال اتصال هستند به همین دلیل ماه رمضان را عرفا ماه وصل الهی می‌دانند نه فقط ماه خیر و برکت. رمضان ماه خیر و برکت است چون پیغمبر(ص) فرموده، ولی در عین حال عرفا می‌گویند که ماه وصال است.

وی افزود: "هست گربه روزه‌دار اندر صیام / خفته کرده خویش بهر صید خام" در ماه رمضان افرادی روزه می‌گیرند به خاطر این که چیزی را صید کنند و ثوابی به دست بیاورند، اما عرفا روزه می‌گیرند تا خداوند را به دست بیاورند. اینجاست که میان اهل سیر و سلوک و دیگران کاملاً فرق وجود دارد. "این دهان بستی دهانی باز شد/ کم خورن دی لقمه‌های راست شد" تا دیروز ما لقمه‌های معمولی را می‌خوردیم، اما امروز لقمه‌هایی را می‌خوریم که این لقمه‌ها برای غیر اهل سیر و سلوک راز و ناشناخته است. پس بنابراین وقتی عارف روزه می‌گیرد دهان ظاهری را می‌بندد، ولی دهان دیگری باز می‌شود.

مؤلف کتاب «در مضاف تندباد، تجربه‌های عرفانی مولوی» یادآور شد: مولوی مثال زیبایی می‌زند و می‌گوید اگر شما به مهمانی شخصی بروید، اگر آشی که برای شما آوردند را نخورید یا کم بخورید اگر صاحب خانه شما اهل معرفت باشد بلافاصله آتش بهتری خواهد آورد. مولوی می‌گوید عارف وقتی غذاهای معمولی را در ماه رمضان نمی‌خورد می‌خواهد به خداوند که میزبان مهمانی الهی است بگوید که این غذایی که دادی در خور جان من نیست به من غذای بهتری بده. روزه گیر الانتظار الانتظار/ از برای آتش بالا مردوار. بنابراین فلسفه روزه در میان عرفای اسلامی گذشتن از ظواهر و رسیدن به وصال الهی است.